

بسم الله الرحمن الرحيم

## کنفرانس بحرین و معامله قرن

(ترجمه)

### پرسش

کنفرانس اقتصادی بحرین که توسط کوشنر اداره می‌شد، کارش را امروز پایان داد. کوشنر در بیانیه افتتاحیه این کنفرانس در المنامه گفت: «گردهمایی بحرین "معامله قرن" نیست، بلکه فرصت قرن است.» (منبع: سایت عربی اسپوتنیک 25 جون 2019م) آیا این کنفرانس بخشی از معامله قرن است؟ یا چنان که کوشنر گفت؛ این پروژه جدائی است. دیگر این که چرا در مورد محتویات این معامله چیزی منتشر نگردیده؟ و آیا کدام معلومات درز کرده‌ای در این خصوص وجود دارد؟ و تا چه حد ممکن است موفق باشد؟ جزاکم الله خیراً!

### پاسخ

برای روشن شدن پاسخ باید به بیان امور زیر پرداخت:

### اول: کنفرانس بحرین

1. قصر سفید شام روز گذشته اعلان نموده که به زودی و در اواخر ماه آینده در پایتخت بحرین شهر المنامه گردهمایی اقتصادی را راه اندازی خواهد نمود که در آن بخش اقتصادی نقشه صلح دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا برای خاورمیانه را اعلان خواهد کرد. (منبع: سایت خاورمیانه 20 می 2019م)

2. کوشنر قبل از کنفرانس بحرین به تاریخ 22 جون 2019م جزئیات بخش اقتصادی نقشه صلح را اعلان نمود. این نقشه شامل در نظر گرفتن کمک‌های بین‌المللی به ارزش 50 میلیارد دالر برای نجات اقتصاد فلسطین و اقتصاد دولت‌های عربی همجوار آن به علاوه ساخت گذرگاهی برای تردد وسایط نقلیه میان کرانه غربی و غزه به ارزش پنج میلیارد دالر می‌شود. (منبع: فرانس 24، 24 جون 2019م)

3. کنفرانس بحرین، که به دعوت المنامه و واشتنن راه‌اندازی گردید، به تاریخ 25 جون 2019م برگزار شد. این کنفرانس زیر نام "کارگاه صلح برای شکوفایی و به هدف تشویق سرمایه‌گذاری در خاک فلسطین" دایر گردید. (منبع: سایت بی بی سی عربی 25 جون 2019م)

4. «جارید کوشنر مشاور و داماد ترامپ، رئیس جمهور امریکا، "کنفرانس/کارگاه بحرین" را در المنامه افتتاح نمود. این یک گردهمایی تقویتی است که ویژه فلسطین است. کوشنر بعضی از جزئیات نقشه امریکا برای رشد اقتصادی کرانه غربی و غزه را

اعلان نمود که مبلغ به آن 50 میلیارد دالر تخمین زده می‌شود. وی اشاره نمود که امکان افزایش تولید داخلی فلسطین و فراهم نمودن فرصت‌های کاری نیز وجود دارد.» (منبع: RT25 جون 2019م)

5. کوشنر مشاور دنال ترامپ گفت: «واشنتن به مجرد آماده شدن نقشه‌ای برای دستیابی به راه‌حل سیاسی، آن را 10 اعلان خواهد نمود.» وی افزود: «کنفرانس بحرین نشان می‌دهد که مشکل خاورمیانه را می‌توان از طریق اقتصادی حل و فصل نمود.» کوشنر این اظهارات را پس از پایان فعالیت‌های کنفرانس اقتصادی بحرین که در المنامه برگزار شده بود، مطرح نمود. (منبع: سایت شبکه العالم 26 جون 2019م)

6. در بیانیه پایانی چنین گفته شده: «شرکت کننده گان "کنفرانس صلح برای شکوفایی" در شام روز چهارشنبه خواستار رشد بهتر اقتصادی و سرمایه‌گذاری به نفع مردم فلسطین شدند تا باشد اقتصاد این کشور شکوفا شود. در بیانیه هم‌چنین گفته شده که این کنفرانس با خوشبینی‌های زیادی در خصوص رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در فلسطین به پایان رسید. گفتگوهای روز اخیر کنفرانس بیشتر روی روند رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری به نفع مردم فلسطین و به هدف ایجاد شکوفایی اقتصادی و فرصت‌های متنوع در برابر آن متمرکز بود. در این گفتگوها روی تقویت نیروی کار از طریق ایجاد فرصت‌های کاری برای زنان و اهمیت ارتباط مداوم و فعال با جوانانی که بیشتر در معرض بی‌کاری قرار دارند نیز تمرکز صورت گرفت. هدف از نقشه اقتصادی که کوشنر روز سه‌شنبه ارائه نمود، این است که مبلغی به ارزش 28 میلیارد دالر فلسطین سرمایه‌گذاری شود و مبالغ دیگری به ارزش 22 میلیارد دالر "بلا عوض و قرضه" در اردن، مصر و لبنان سرمایه‌گذاری شود، زیرا این‌ها دولت‌هایی هستند که از بی‌جا شده‌گان فلسطینی میزبانی می‌نمایند.» (منبع: آژانس اناضول 21 جون 2019م)

به این ترتیب و از شواهد فوق چنین برمی‌آید که کنفرانس بحرین در حقیقت آغازی است برای زمینه‌سازی در جهت اعلان پروژه موسوم به "معامله قرن". به عبارت دیگر؛ این مبالغ در اصل رشوتی است که ترامپ به اسلوب خودش برای حکام خائن عرب و عجم منطقه می‌پردازد تا برای عملی شدن این پروژه خونین ترامپ در سرزمین‌های خودشان زمینه‌سازی نمایند، بهتر نیست در این خصوص بیندیشند!؟

## دوم: معامله قرن و دستاوردهای آن

1. امریکا پروژه تشکیل دو دولت مستقل در فلسطین را از سال 1959م، یعنی زمان حکومت ایزنهاور روی دست گرفت و عبدالناصر حاکم وقت مصر را تحریک نمود تا آن را عملی نماید. امریکا سازمان آزادی‌بخش فلسطین را نیز به همین هدف و به رهبری احمد شقیری در سال 1964م ایجاد نمود. پس از آن که شقیری سازمان یادشده را در پی شکست سال 1967م ترک نمود، انگلیس توانست توسط مزدورهای ملک حسین و به کمک دولت‌های خلیج یاسر عرفات را در سال 1968م در رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین قرار دهد. یاسر عرفات پیوسته خواستار عملی شدن راه‌حل انگلیس، یعنی تأسیس دولت فلسطینی سیکولار بود. او این خواسته را از زمان تأسیس گروه "فتح" در سال 1965م به کمک مزدوران یاد شده مطرح می‌نمود. اما عرفات پس از آن که سخت زیر فشار مزدوران امریکا به شمول انورسادات در مصر و حافظ اسد در سوریه قرار گرفت، دست از آن خواسته‌اش برداشته و خواهان عملی شدن

راه حل امریکایی شد و به همین دلیل بود که اتحادیه عرب در سال 1974م، سازمان فتح را به صفت یگانه مرجع قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت و در سازمان ملل نیز به رسمیت شناخته شد و به صفت عضو ناظر آن درآمد. عرفات در سال 1988م رسماً اعلان نمود که رژیم یهود را به رسمیت می‌شناسد و پذیرفت که این رژیم 80% خاک فلسطین را اشغال نموده اند و این زمانی بود که برپائی دو دولت در فلسطین بر اساس راه حل مطرح شده توسط امریکا را رسماً قبول نمود و گفت: «دو دولت برای دو ملت در خاک فلسطین.» سپس توافق نامه اسلو را در سال 1993 امضاء نمود و اعلان کرد که اینک فلسطین به رهبری سازمان آزادی بخش دارای یک قدرت مستقل است، به شرط آن که با فرا رسیدن سال 1999م دولت مستقل فلسطینی تأسیس شود.

اما با آن هم امریکا در زمان کلنتن نتوانست این ادعا را عملی نماید. زمانی که جورج بوش پسر به قدرت رسید، اتحادیه عرب در سال 2002م پیشنهاد سعودی را پذیرفت و از آن به عنوان پیشگامی عربی یاد نمود. در این پیشنهاد گفته شده بود که دولت‌های عربی حاضر اند رژیم یهود را در صورتی که آنان دولت مستقل فلسطین را در کنار خود بپذیرند، به رسمیت بشناسند. امریکا پس از این پیشنهاد بود که پروژه نقشه راه را در سال 2003م راه اندازی نمود، نقشه‌ای که بر اساس آن باید با فرارسیدن سال 2005م برای فلسطین دولتی مستقل تأسیس گردد و هم‌چنین کمیته چهارجانبه خاورمیانه را تشکیل داد؛ اما با وجود آن هم نتوانست چنین دولتی را تأسیس نماید. امریکا در زمان حکومت اوباما با تمام توان سعی نمود مسأله راه حل تشکیل دو دولت مستقل را با از سرگیری مذاکرات در دو مرحله در سال های 2009م و 2013م عملی نماید، اما بازهم ناکام شد. به این ترتیب تمام رؤسای جمهور امریکا به نوبه خود سعی نمودند پروژه تشکیل دو دولت را عملی کنند؛ اما موفق نشدند. تا این که ترامپ از راه رسید و امریکا مطمئن شد که توان عملی نمودن پروژه یاد شده را ندارد، بناءً تصمیم گرفت آن را تبدیل یا تعدیل نماید. کانگرس امریکا در سال 1995م با صدور فیصله‌نامه‌ای، قدس را پایتخت رژیم یهود به رسمیت شناخته بود؛ اما آن تصمیم را بالای رئیس جمهور وقت الزامی نکرده بود و حق عملی نمودن آن را به رؤسای جمهور بعدی گذاشته بود، که هرکس از آنان در هر زمانی که خواسته باشن، د می‌توانند آن را عملی نمایند.

2. ترامپ این رویکرد را فوراً پس ادای قسم‌اش به صفت رئیس جمهور مطرح نموده گفت: راه حل تشکیل دو دولت مستقل، یگانه راه حل پایان دادن به بحران دولت یهود و فلسطین نیست، و اشاره نمود که او آماده است گزینه‌های دیگری را نیز روی دست گیرد، در صورتی که منجر به صلح گردد. ترامپ گفت: «اگر اسرائیل و فلسطینیان راضی باشند، من به راه حل تشکیل دو دولت و تشکیل یک دولت هردو توجه خواهم نمود؛ هر راه‌حلی را که آنان ترجیح دهند، من را خرسند خواهد نمود و هر دو راه حل برای من قابل قبول است.» (منبع: الجزیره 16 فبروری 2017م) پس از این سخنان بود که نشانه‌های رویکرد مورد نظر ترامپ بالاگرفت؛ چنان‌چه ترامپ سفارت امریکا را در ماه سپتمبر 2017م از تل ابیب به قدس انتقال داد. این بدان معنی است که ترامپ اعلان نمود که با قرارگرفتن قدس به عنوان بخشی از خاک رژیم یهود بر اساس رویکرد ترامپ، موافقت دارد. پس از این اقدام بود که ترامپ در مورد حل بحران میان فلسطین و یهود از طریق معامله نهائی و یا معامله قرن سخن گفت. سپس هر یک جارید کوشنر داماد و مشاور دونالد ترامپ و جیسون گرینبلات نماینده ویژه رئیس جمهور امریکا در خاورمیانه شروع به مروج نمودن توافق موسوم به توافق قرن نمودند. کوشنر در ماه فبروری 2019م برای جلب حمایت از این نقشه به بسیاری از کشورها سفر نمود، چنان‌چه با محمدبن سلمان ولیعهد سعودی دیدار کرد. هم‌چنین به تاریخ 27 اپریل 2019م در این خصوص با اردوغان ملاقات نمود؛ سپس با رهبران دولت‌های امارات متحده

عرب، بحرین و عمان دیدار و گفتگو کرد. تمرکز این سفرهای روی جلب حمایت حکام منطقه از این نقشه بود. اداره حکومت ترامپ در ادامه وعده نمود که این نقشه جدید را در ماه سپتامبر 2018م به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم نموده و از طریق آن عملی خواهد نمود، اما این کار تا اوایل سال 2019م به تأخیر افتاد و دلیل آن؛ به تأخیر افتادن انتخابات رژیم یهود در ماه جولای 2019م بود و اینک تا ماه نومبر 2019م، یعنی تا پس از انتخابات یهود به تأخیر افتاده است.

ترامپ از نتانیاهو به دلیل عدم پیروزی قاطع اش در دور اول "دلگیر" شد و نه به دلیل این که انتخابات به دور دوم رفت و این باعث شد که راه حل پیشنهادی اش، "معامله قرن" به تأخیر افتد. «ترامپ در سخنانش در کنفرانس مطبوعاتی که قبل از سفر به انگلیس در مقابل قهرسفید مطرح نمود، اوضاع سیاسی در "اسرائیل" را، که نتانیاهو نتوانست حکومت جدید را قبل از پایان یافتن مهلت آن در روز چهارشنبه گذشته تشکیل دهد و به همین دلیل به جانب انتخابات جدید در ماه سپتامبر آینده روان است، چنین توصیف نمود: "اوضاع سیاسی اسرائیل درهم و برهم است." سپس افزود: "بیبی عملاً انتخاب شده بود، اما ناگهان تصمیم گرفتند انتخابات را به صورت کامل در ماه سپتمبر تکرار کنند، این اقدام بسیاری است و ما از شنیدن آن خرسند نیستیم.» (منبع: روسیه امروز 3 جون 2019م)

به این ترتیب بود که ترامپ با خرسندی تمام نقشه اش را آماده نمود و در هرکجا از آن یاد می نمود و گمان می برد که اگر حکام قبل از وی در عملی نمودن راه حل تشکیل دو دولت ناکام ماندند، او در راه حل جدیدش - "معامله قرن" - موفق خواهد بود. اما واقعیت این است که این نقشه نیز به سان نقشه قبلی "تشکیل دو دولت" به ناکامی خواهد انجامید.

سوم: در خصوص این که چرا محتوای این معامله برملا نگردیده و این که آیا معلوماتی در مورد آن درز کرده یا خیر، باید گفت:

1. ترامپ فراموش می کند و یا خودش را به فاموشی می زند که فلسطین در دل های مسلمانان و افکارشان از جایگاه بزرگی برخوردار است و به همین دلیل است که هرگز این معامله را نخواهند پذیرفت، بلکه با جدیت و قاطعیت تمام آن را رد خواهند کرد. ترامپ گمان می کند پول های میلیاردی اش در این پروژه اقتصادی وی، به سازن زردکی خواهد بود که برای فریب دادن مردم فلسطین آن را به جانب شان پرداخت نموده و آنان نیز فوراً موافقت خواهند نمود. به همین دلیل است که جزئیات آن را اعلان نکرد و کنفرانس بحرین را برای فضا سازی برای پذیرفتن معامله قرن اش از جانب مردم فلسطین پیشاپیش راه اندازی نمود.

2. در خصوص معلومات درز کرده در مورد معامله قرن باید گفت که بلی برخی معلوماتی در این خصوص درز نموده و به نظر می رسد که درز نمودن این معلومات، آگاهانه و هدف مندانه بوده، زیرا این معلومات با آماده گی هایی که برای معامله قرن صورت می گیرد، نزدیکی زیاد دارد و بسیاری از این معلومات درز کرده توسط نشریه "یسرائیل هیوم" یهودی و به تاریخ 7 می 2019م منتشر شده. صاحب این نشریه فردی به نام "شیلدون ادیلسون" است و او یکی از بزرگ ترین حمایت کننده گان مالی تبلیغات انتخاباتی ترامپ بود و در عین حال به نتانیاهو نیز نزدیک است.

- توافقاتی که صورت خواهد گرفت: توافقی سه‌جانبه میان دولت یهود سازمان آزادی‌بخش و حماس صورت خواهد گرفت و بر اساس آن دولت فلسطینی تشکیل خواهد شد که از آن به نام فلسطین جدید یاد خواهد شد. این دولت در منطقه کرانه غربی و غزه، اما بدون شهرک‌های موجود یهودیان، تشکیل خواهد یافت.

- تخلیه مناطق: تشکیلات شهرک‌سازی به حالت خودش باقی خواهد ماند و تشکیل‌های منفصل نیز با آن پیوند خورده و با یک دیگر در ارتباط بوده و در اختیار رژیم یهود باقی خواهد ماند.

- قدس: به هیچ‌وجه تقسیم نخواهد شد و میان دولت یهود و فلسطین مشترک خواهد بود، با این تفاوت که ساکنین عرب قدس به عنوان اتباع/شهروندان فلسطین جدید معرفی خواهند شد و نه اتباع "اسرائیل". شاروالی/شهرداری قدس نیز فراگیر بوده و در برابر تمام قدس مسوول خواهد بود، بجز امور تعلیمی که فلسطین جدید مسوولیت آن را به دوش خواهد داشت و مالیه "آرنونا" (مالیاتی است که بالای استفاده‌کننده‌گان بناها و زمین‌ها وضع می‌شود) و مالیات آب را باید دولت فلسطین جدید بپردازد.

- غزه: مصر زمین‌های جدیدی را از خاک خود به فلسطین خواهد داد تا در آن به ساخت میدان هوایی/فرودگاه و کارخانه‌جات و تبادل اموال تجارتي و زراعتی بپردازد، اما مردم فلسطین حق اعمار مبنای مسکونی در این زمین‌ها را ندارند.

- اردو/لشکر: فلسطین جدید حق ندارد اردو/لشکر داشته باشد و یگانه سلاح موجود در آن؛ همان سلاح پولیس/بازرس است و بس. حماس باید تمام تسلیحات‌اش به شمول سلاح‌های فردی را جمع‌آوری نموده و به مصری‌ها تسلیم می‌کند. نظامیان حماس در بدل آن معاش/حقوق ماهانه‌ای را از جانب دولت‌های عربی دریافت خواهند نمود. یک سال پس از این توافق، انتخابات حکومت فلسطین راه‌اندازی خواهد شد و یک سال پس از برگزاری انتخابات، تمام اسراء به تدریج و در مدت سه سال آزاد خواهند شد.

در جریان پنج سال بندر و میدان‌هوایی/فرودگاه فلسطینی ساخته خواهد شد و تا آن زمان فلسطینیان از میدان‌های هوایی و بندرهای "اسرائیل" استفاده خواهند نمود. مرزها میان فلسطین و دولت یهود به عنوان دو دولت دوست بازخواهد بود. پلی آویزان/معلق به ارتفاع 30 متر از سطح زمین جهت پیوند دادن غزه به کرانه ساخته می‌شود و کارساخت آن به یک شرکت چینی واگذار خواهد شد، که چین در آن 50%، جاپان 10%، کوریای جنوبی 10%، استرالیا 10%، استرالیا 10%، کانادا 10% و امریکا و اتحادیه اروپا با هم 10% سهم خواهند گرفت. "غور" اردن هم‌چنان در اختیار "اسرائیل" خواهد بود و سرک/جاده 90 تبدیل به سرک/جاده‌ای متشکل از چهار خط خواهد شد که نیمی از آن زیر اشراف "اسرائیل" و نیم دیگر در اختیار و زیر اشراف فلسطینیان خواهد که فلسطین را با اردن وصل می‌دهد، وغیره مواردی که تا کنون درز نموده.

هرچند این معلومات درز کرده رسماً منتشر نگردیده، اما چگونه‌گی درز نمودن آن و این که توسط یک روزنامه یهودی، که مالک آن "شیلدون ادیلسون"، یکی از بزرگ‌ترین حامیان مالی تبلیغات انتخاباتی ترامپ و از نزدیکان به نتانیاهو می‌باشد، به خوبی بیانگر اراده و خواست ترامپ و علاقمندان اوست. این نیز بسیار روشن است که این معلومات درز کرده آن قدر آلوده با خیانت در حق سرزمین مبارک است که پذیرفتن آن حتی برای حکام خاین عرب و عجم نیز سنگینی نمود. این حکام مسأله تشکیل دو دولت را

پذیرفتند، در حالی که آن نیز طرحی آشکارا خائنانه است، زیرا سراسر خاک فلسطین بخشی از سرزمین پهناور اسلامی است، که بدون هیچ گونه کوتاهی در مورد حتی یک وجب آن باید به اهل آن سپرده شود و در غیر آن خیانت صورت گرفته، چه رسد به پذیرفتن تشکیل دو دولت، که منجر به از دست رفتن بیشتر خاک فلسطین می شود؟! اما حکام خائن عرب و عجم این راه حل را پذیرفتند و شروع به توجیه آن کردند که بر اساس آن بخشی از یک دولت و علم برای شان باقی خواهد ماند و به آن افتخار خواهند نمود! اما معامله ترامپ (معامله قرن) هیچ چیز قابل ذکری برای شان باقی نمی گذارد. کوشنر مشاور ترامپ در اظهاراتی گفت: «معامله قرن ممکن است قضیه تشکیل دو دولت را در خود نداشته باشد، همچنان که قدس پایتخت ابدی "اسرائیل" خواهد بود.» (منبع: بی بی سی 2 می 2019م) حتی "شهرک های" کرانه نیز، بر اساس این معامله، باقی مانده کرانه را، که از 12% آن فراتر نمی رود، به مرور زمان به خود می بلعد و این بخشی است که زیر سلطه نظامی دولت یهود قرار دارد.

چهارم: در مورد این که این "معامله ترامپ" تا چه اندازه شانس موفقیت دارد، باید گفت که هیچ شانس ندارد، زیرا حتی طراح این معامله، با وجود سر و صداهایی که راه انداخته بازهم انتظار ناکام ماندن آن را دارد. «ترامپ نیز گفته که ممکن است پامپئو وزیر خارجه اش در ارزیابی خویش مبنی بر این که نقشه پیش روی اداره حکومت امریکا برای صلح در خاورمیانه احتمالاً به ناکامی بینجامد، مستحق باشد. روزنامه "واشنتن پست" پیش از آن به نقل از پامپئو گفته بود که وی خطاب به گروهی از رهبران یهود در نیویارک گفته بود؛ ممکن است نقشه ای که طرح آن بسیار به تعویق افتاد زیاد مورد استقبال قرار نگیرد.» (منبع: تایمز اوف "اسرائیل" 3 جون 2019م)

حماقت ترامپ به او اجازه نمی دهد به این واقعیت پی ببرد که فلسطین خرید و فروش نمی شود، زیرا این سرزمین قبله نخست مسلمانان است، مسجد آن سومین مسجدی است که بار سفر بستن به جانب آن از پاداش خاصی برخوردار است و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم از این سرزمین صورت گرفته. ترامپ به دلیل حماقتی که دارد، نمی داند لشکر مسلمانان به زودی و به خواست الله متعال این سرزمین را در حالی آزادی خواهد نمود که فریاد تکبیرهای لشکریان به آنان نیروبخشیده و سایه بیرق عقاب (لاله الله محمد رسول الله) بر سرشان سایه می افکند. گرچه ترامپ امروز از میان حکام مسلمانان و اطرافیان آنان کسانی را یافته اند که به مال کثیف دل بسته اند؛ اما فردا از جانب مسلمانان چیزی بجز شمشیرهای خلافت نخواهد دید که به خواست الله متعال برای جنگیدن با یهود و حامیان استعمارگر کافرشان از غلافها بیرون کشیده شده و فلسطین را از شر یهودیان و حامیان شان آزاد خواهد نمود. چنان که قبلاً از شر صلیبیان آزادش نموده بود و بدون شک این فردا برای صاحبان درک و درایت بعید نیست و شواهد آن را به خواست الله سبحانه و تعالی در هر کجا می توان حس نمود. مسلم در صحیح خویش از ابوهیره روایت نموده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ»

**ترجمه:** قیامت برپا نخواهد شد تا آن زمان که مسلمانان با یهودیان به جنگ پرداخته و مسلمانان آنان را به قتل رسانند.

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَ بَعْدَ حِينٍ﴾ [ص: 88]

ترجمه: مطمئنأً خبرآن را پس از مدتی درخواهید یافت.

24 شوال 1440 هـ.ق

27 جون 2019 م

مترجم: عبدالله دانشجو